

مکتب

www.ketab.ir



عبادی، محمدعلی، ۱۳۴۳-	:	سرشناسه
سکوت/ محمدعلی عبادی.	:	عنوان و نام پدیدآور
شیراز: انتشارات شاه چراغ (ع)، ۱۳۹۸.	:	مشخصات نشر
۳۴۹ ص.	:	مشخصات ظاهری
978-600-8950-90-5	:	شابک
فیبا	:	وضعیت فهرست نویسی
سکوت	:	موضوع
Silence	:	موضوع
۱۴۹۹BJ	:	رده بندی کنگره
۲۰۲/۲	:	رده بندی دیویی
۵۸۲۵۸۲۷	:	شماره کتابشناسی ملی



تلفن: ۳۲۳۱۶۰۳۳ و ۳۲۲۲۱۹۱۶



سکوت

محمدعلی عبادی

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۵۰-۹۰-۵

نوبت و سال چاپ: اول ۱۳۹۸ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قطع رقعی

لیتوگرافی / چاپ و صحافی: ...

حروف چینی و صفحه آرایی: اطلس دهکده ...

طرح جلد: عارف پیراسته

قیمت: ۴۷۰۰۰ تومان



Printed in the Islamic Republic of Iran – Shiraz

حق چاپ محفوظ است

ردیف	عنوان	صفحه
	مقدمه	۸
	فصل اول : سکوت	
۱	چرا سکوت می کنیم	۱۶
۲	سکوت و حقیقت‌های ناب	۱۹
۳	انواع سکوت	۲۱
۴	سکوت منافع افاد در سکوت	۲۲
۵	سکوت و وسوسه	۲۵
۶	سکوت و رزق و طهارت	۲۹
۷	سکوت اخلاقی	۳۲
۸	سکوت از روی نادانی	۳۴
۹	سکوت و یارانش	۳۶
۱۰	شکستن سکوت دیگران	۳۸
۱۱	محفل سکوت و بوی خون	۴۰
۱۲	جهت های سکوت	۴۵
۱۳	برخورد بانقطه ثقل	۵۰
۱۴	مرگ توسط سکوت	۵۲
۱۵	سکوت و قدرت ذکرها	۵۷
۱۶	سکوت و سکوت سیار	۵۹
۱۷	روش استخاره عارفانه	۶۲
۱۸	سکوت و نتایج آن	۶۵

فصل دوم: عرفان

۶۸	ورود به وادی عرفان	۱۹
۶۹	شکل گیری و پیدایش عالم های عرفانی	۲۰
۷۶	عالمهای خاص و عام	۲۱
۸۱	تقوای خاص و تقوای عام	۲۲
۸۶	سکوت عارفان و راز داری اهل سکوت	۲۳
۸۹	درجوار عارفان و سالکان	۲۴
۸۲	سکوت و بیاد عارفانه سکوت	۲۵
۸۳	نقش ریاضت رفتاری و توانائیهای عارفان و سالکان	۲۶
۸۷	نیروهای مرکبیت و بیانی سکوت	۲۷
۱۱۳	سکوتهای عرفانی و اسمانی	۲۸
۱۱۴	معنویت بالای روحانی و معنوی از عارفان	۲۹
۱۱۹	کمک به عرفای واقعی	۳۰
۱۲۳	برکت و فکر و عمل عارفان سکوت	۳۱
۱۳۳	قدرت برگشت عارفان	۳۲
۱۳۵	قدرت نورپیامبران و عارفان	۳۳
۱۳۶	نور عرفا	۳۴
۱۳۱	کاسبی و عملکردهای عرفا	۳۵
۱۴۲	نقش سیاست همراه با عارفان	۳۶
۱۵۵	نقش سپاه و عارفان	۳۷

ردیف	عنوان	صفحه
۳۸	بعضی از عارفان سارقان روح هستند	۱۶۶
۳۹	شباهت راه کارهای بعضی از عارفان با فرقه ها	۱۷۱
۴۰	حرکت های بعضی از عرفا	۱۷۷
۴۱	انتظارات بعضی از عرفا	۱۸۳
۴۲	اعمال ناپسند بعضی از عرفا	۱۸۷
۴۳	روش مبارزه عرفا همراه با سکوت	۱۸۹
۴۴	مبارزه میان زبان از دیدگاه عارفان سکوت	۱۹۲
۴۵	تفاوت دیدگاه رفتار، و کرداری عارف واقعی از غیر واقعی	۲۰۹
فصل سوم. ۴. ریشه هایی از سکوت		
۱	برخوردهای دنیای فیزیکی	۲۲۱
۴۷	قدمهای زمان	۲۲۲
۴۸	سکوت زمان	۲۲۳
۴۹	زمان یکی از یاران سکوت	۲۲۴
۵۰	درمورد مکان ها و معابر	۲۲۶
۵۱	تشخیص راه از بیراهه توسط سکوت	۲۲۸
۵۲	جایگاه سینه و قلب توسط سکوت	۲۳۰
۵۳	نقش زبان در سکوت	۲۳۴
۵۴	احترام به پدر و مادر واقعی	۲۳۴۱
۵۵	سکوت و شهاب سنگ	۲۴۳
۵۶	خاک خلقت	۲۴۴

ردیف	عنوان	صفحه
۵۷	چگونگی این عالم و آن عالم	۲۴۶
۵۸	شک همراه با سکوت	۲۵۷
۵۹	شک و روزگار	۲۶۲
۶۰	شک به لقب‌ها	۲۸۶
۶۱	راست یادروغ و رفتن به درون تاریک‌ها	۳۰۰
۶۲	مرگ و عالم‌های نامرئی	۳۱۸
۶۱	سفر به گذرهای زمانی	۳۳۰
۶۴	حاجت‌نمایی	۳۷
۶۵	آمال و ندامت زمین	۳۴۰

مقدمه

با سلام و عرض ادب خدمت سروران گرامی و دوست‌دارانی که با علم و عشق به مسائل عرفانی همیشه یار و یاور و مشوق حقیرانی چون ما بوده‌اید، و ما برای بر این داشته‌ایم که مطالب فوق را به سمع و نظر شما عزیزان رسانده؛ و جهت اطلاع رسانی بیشتر برای شما عزیزان قدم مثبتی برداشته و سطح آگاهی را به درجات بالایی رسانیم. البته نکات نوشتاری ما شاید کمی حقیرانه و اندک باشد ولی سعی می‌تواند در پیشرفت و بینش شما دوستان کمک حالی باشد. هرچند حقیره بدانند سیر کوچک‌تر از آن هستیم؛ که با مکتوبات خود که کمترین اطلاع از این معجزه را دار می‌باشم. بتوانم در این وادی عرض اندامی بنمایم. اما امید بر این نکته دارم. هر چند مختصر کلامی را در مورد سکوت و دنیای آن در این مبحث عرض بنمایم. اولین نکته؛ سکوت چیست؟ به نظر حقیر باید چنین گفت آرام شدن مکان‌های درونی انسان به تمام معنا می‌باشد. اما باید توجه داشت که آیا ما می‌توانیم. یا در طول زمان هست که در این دنیای پرهیاهو با این غول درون رابطه برقرار کنیم.

و او را تحت کنترل خود گرفته و در مواقع لزوم از آن نهایت بهره را ببریم. یا شاید او هر موقع که صلاح دانسته و با توجه به موقعیت زمانی و مکانی به کمک ما بیاید. و ما را مورد مرحمت و لطف خویش قرار دهد و از این آشفته بازاری که برایمان پیش آمده، کمی ما را تسکین و از درد و رنج نجات موقت دهد.

آری سکوت خود یک امپراطور بسیار بزرگ و با تناسبات بسیار بالاست که هر آدمی به این سادگی نمی‌تواند؛ نه او را به دست آورده و نه تحت

کنترل خود قرار دهد؛ حال ما با توجه به آن همه مشغله‌های درونی و بیرونی خود می‌خواهیم چگونه او را به دست آورده و کنترل کنیم؛ آیا ما واقعاً در خود توان چنین امر مهمی را خواهیم داشت. یا فقط در اذن خود سعی بر این داریم که بتوانیم با او رابطه برقرار کنیم؛ هرچند که سکوت می‌تواند هم دوست هم دشمن ما باشد. دوستی که در مواقع لزوم می‌تواند با کنترل بر درون ما ضرورت نقش ایست را بازی کند، و ما را به یک بازیگر فیکس مبدل نماید و ما را از ورطه نابودی یا یک اتفاق غیرمترقبه‌ای که در حال وقوع است نجات دهد. بقولی زبان سرخ سرسبز می‌دهد بر باد. آن موقع است که می‌فهمیم سکوت چه معنایی دارد و چقدر در مواقع لزوم نقش حیاتی را در ما زنده کرده است. حال این که در بعضی مواقع همان سکوت در ما و اطرافیان منجر به رنجش می‌شود و آن‌ها به وجود می‌آورد؛ که برای همیشه خیلی چیزها را از دست می‌دهیم و حتی سکوت سهم و سنگین می‌تواند به قیمت تمام شدن جان خود و خانواده‌های مان گردد؛ و یا باعث مرگی فجیع که جبران آن حتی المقدور رای از دیگران در آن برهه زمانی قابل جبران نیست و نخواهد بود؛ بلکه سکوت گاهی از رنجش‌ها و آسیب‌ها و آرامش‌های به بار آورده از زمان و مکان می‌باشد.

رنجش‌هایی که با بودنش باعث هم درد و رنج و خنثی و در آخر رأس بزرگ شادی‌هاست، و اما آسیب‌های ناشی از آن وجود آمدن تفکر بسیار عمیق در درون ما؛ هرچند که در بعضی مواقع این چنین است او می‌تواند به ما خیلی چیزها را بیاموزد و به ما بفهماند، که همیشه می‌تواند چه فکر می‌کنیم این نیست و باید چگونه و چطور سخن گفتن را بیاموزیم و چطور عمل کردن را.

آری سکوت خود سراسر اسرار است؛ که ما تا به حال نتوانسته‌ایم به

درونش راه بیابیم؛ حال چگونه او در کنار ما باشد یا ما در کنار او. چه او بر ما مسلط و چه ما بر او مسلط.

این‌ها همه رمزورازی است که در دنیای سکوت شناخته‌ایم، سکوتی که می‌تواند همیشه با خواسته‌های ما دست و پنجه نرم کند؛ گاهی سخت و گاهی نرم گاهی بدون حرکت و گاهی با حرکت نرمش، ما را از آنچه که باید آگاه کند می‌کند؛ سکوت خود واژه‌ی همه‌ی جنبش‌ها و نهضت‌ها است. سکوت همیشه تکان دهنده ما انسان‌ها در میادین سخت؛ رزم و بزم است؛ سکوت ارتعاشی از پرتو نور می‌باشد که انسان وقتی در مصاف برخورد مستقیم با او قرار می‌گیرد، واقعاً قدرت تصمیم‌گیری از انسان صلب می‌شود؛ که آیا بیان کند. یا بلند یا سرزند.

و یا نگاه کند یا چشم ببندد. همه به و از مسئله‌ای که باعث رنجشش شده گذر کند و این تصمیم‌گیری با رزم و نرمی گردد؛ درونی که آمیخته از همه‌ی تفکرات ضدونقیض ما در طی سالیان دراز در ما به وجود آمده. سالیانی که همیشه چه خواسته یا ناخواسته همین سکوت در کنارمان بوده و هست و خواهد بود. فقط چگونه استفاده‌اش را ما دانستیم و ندانسته گذرانیم؛ آری سکوت دکلمه بسیار زیبایی است که همه از آن به سوی سخن به زبان می‌آورن و هر کس سعی بر این دارد که نقش سخن‌حویش را در ایفای سکوت همیشه جاوید حفظ کند؛ و تنها نشانه وجودیتش فقط به دست هر دو طرف می‌باشد. بیان نماید و موجب آرامش درونی هر انسانی می‌باشد و گاه آن بیداریش باعث چنان سربلندی در انسان می‌شود؛ که او را به کمال معنوی و مادی رسانده و اما خفته بودنش موجب آسیب‌های ذاتی و درونیانسان و عاقبت پشیمانیست.

در آن زمان؛ انسان همیشه خود را سرزنش می‌کند که ای وای اگر او را

می‌داشتیم (منظور سکوت) به این مصیبت گرفتار نمی‌شدم؛ و حال و روزم چنین و چنان نبود افسوس که او را جستم ولی قدرش را ندانسته و رهایش کردم؛ و باز به خود می‌گوئیم. هرچند که او را رها کردم اما باز با نبودنش دانستم که وجودش برایم غنیمت الهی است و سعی بر این داشتم که با اتکاء به نبودنش جایش را باز پر کنم تا که او خود به نزد ما باز گردد؛ یقیناً سکوت؛ معانی مختلفی از جهان آشکار برایمان به ارمغان آورده؛ اما ما به این معانی چنان تسلطی نداشته و از خودنشان نداده‌ایم. ومعنایش را با کمی رنجند از آن گذرانیده‌ایم؛

دری سکوت سال‌هاست که با ما سخن گفته ولی ما از درکش عاجز بودیم؛ سکوت راه و رسم زندگی؛ عشق؛ مبارزه؛ جنگ؛ صلح؛ بیدادگری. پس و سران روش‌هایی که ملازمه یک زندگی با شرافت را به ما آموخته است. اما مدافعی که این بزرگ‌مرد کلمات که سر آمد تمام کلمات در جهان است ولی ما را نشناخته‌ایم؛ و در مواقعی بسیار مثل آدم‌های نادان و نابینا به دنبالش گشتیم و می‌گردیم؛ و او را از درون فریاد زده و طلب کمک و بخشش می‌کردیم؛ آری او را در مخلص کلام نشناخته‌ایم.

همیشه با وجود بیداری و هوشیاری وصف‌ناپذیری که از او سراغ داریم به دنبالش می‌گردیم، و این طرف و آن طرف جست‌و‌جای بی‌زبانی و خجل بودن از حرکات ضعیف فکری خودمان آن قدر در ما سرزدن نفس خویش گیر هستیم. (مثل تمسخر کردن مردم وانگ زدن به آن‌ها به جهت خردکردنشان) که‌ای کاش از خودخواهی‌های نفسانی دست ببری و برای اموری که باعث نظم در تکامل وجودمان شده از بزرگ‌مرد کلمات یعنی سکوت تقاضای کمک می‌گرفتیم و آن وقت به خود می‌بالیدیم که ما

هم می‌توانیم بر نفس خویش فائق آئیم، و از جناب سکوت کمک طلبیده،
و در انجام هر اموری از او یاری بنماییم.

آری سکوت در واقع بزرگ‌مردیست که با آن که از روز اذل جزء وجود باطنی ما
است؛ به قولی مثل موکل همیشه همراه ماست. اما بعضی از ما انسان‌ها درک
نمی‌کنیم چون او را نداشته و نمی‌دانیم که چطور و چگونه با او دوستی یا رفقات
کنیم.

اصلاً ما با چه ادعاهایی که داریم نمی‌دانیم سکوت کیست؛ و برچند
قسم می‌باشد. آن دوست یا رفیق یا یک موکل همیشه همراه است یا از
طرف نیروهای ما؛ لطیف می‌باشد؛ که بعضی مواقع بدون آن که فکرش
را بکنیم، به سراغ ما می‌آید و آرام می‌گیریم.

در واقع او همراه ماست؛ اما یک نکته را در نظر بگیریم؛ که همیشه این
سؤال در ذهن من وجود داشته که آیا سکوت از کسی یا کسانی دستور
می‌گیرد؛ و هر موقع بخواهد به ما حمله‌ور می‌شود و یا ما را به آرامش یا
یک ایست سرپا وجودی بدل می‌کند و یا در هر حرکت بی‌فکری یا
عجولانه را از ما می‌گیرد و چنان ما را در تنگنا و جدی خود قرار می‌دهد
و زبان از بیان و قصار، هرگونه کلمه‌ای از ماصلب می‌شود و خودمان مات
و مبہوت و درمانده و حتی توان فکر و حرکت از ما ذائل می‌گردد. و در آن موقع
به خود می‌گوییم که آیا این سکوت است یا ترس؟ آیا رابطه‌ای بین سکوت
و ترس و ذهن و قلب و روح وجود دارد؟ آیا دیگر اعضاء وجودی ما و یا
نیروهای دیگری در این راستا با سکوت همراه هستند؟ البته نقل قول‌های
فراوانی وجود دارد که به چه دلیل ما سکوت می‌کنیم.

بدین دلیل که با سکوت محض و با نگاه‌های مان که از یک سکوت
سنگین نشأت گرفته تمام افکارمان را فریاد که آهای من به این و آن اعتقاد

دارم من از این خوشم می‌آید من از این افکار بدم می‌آید. من به این و آن چه شما می‌گویید اعتقاد ندارم. من به تمام مراحل که شما آن را زندگی می‌نامید. همراه و اعتقادی نداشته و ندارم و اهلش نیستم و از ادامه‌اش باز می‌ایستم؛ و آن‌طور که در مورد من فکر می‌کنید من اون نیستم و ... نیستم یا هستم.

ما با سکوت‌مان این همه حقایق را بیان می‌کنیم و اما آیا کسی هست که بتواند از نگاه‌های نافض ما این همه مطالب را درک کند و آن همه حقایقی را که بیان کردیم را بفهمد و یا با تمام وجودش لمس کند؛ زیاد سخت است که در چنین انسان‌های هرچند انسان‌نما بتوانند؛ حقایق درونی ما که همه از افکار درونی و فکری برونی است را با یک سکوت چند لحظه‌ای درک کنند. من به این چنین افرادی را اندک دیده‌ام و از خداوند منتان می‌خواهم که هیچ وقت به چنین وضعیتی دچار نشوم که دیگران بخواهند در مورد من قضاوت کنند.

زیرا همین سکوت چند لحظه‌ای که در من به وجود می‌آید، آن هم در رابطه با مسائل مختلف بسیار سخت و عذاب‌آمیز فیزیکی بسیار بدی شاید برای جسم و روح انسان داشته باشد؛ و آیا به حال بد بال چراها و بایدها و نبایدها و کجاها گشته‌اید که چرادر مواقع حساس آن‌ها در در مقابل این غول عالم‌گیر خود را حقیر احساس کرده و می‌کنیم.

آیا ما می‌توانیم از طریق ذهن با او ارتباط برقرار کنیم. تا از طریق احساس و یا از حساس‌های دیگری که خداوند در ما زنده نکرده داشته باشد البته این مطلب را اضافه کنم، با این که این سکوت به خودی خود در این عالم کسی محسوب می‌شود. اما در اگرها و چراهایش مانده‌ایم. سکوت درباره حرف‌ها و حدیث‌ها، آزادی مسائل دینی، جنگ صلح، نژادپرستی، نفاق آب

و آتش، باد، عرفان و سلوک و ... مسائلی که همیشه ما درگیر با او هستیم حرف برای گفتن دارد؛ درحالی که قسمت‌بندی‌هایش را باید بازتر کنیم که او کیست و چیست و به چند قسمت تقسیم شده و می‌شود و اقسامش را دسته‌بندی کرده و بیانش کنیم.) ضمناً تمامی مطالب فوق در این کتاب به است‌های شخصی اینجانب از مبحث سکوت و عارفان و سالکان سکوت می‌رسد که امیدوارم مورد قبول حق و دوستان گردد؛ حال به گوشه‌ای از مطالب و عراتی در چند مختصر در مورد سکوت و عارفان و سالکان سکوت پردازیم؛ راجعه کنیم که مطالب فوق به صورت شماره گذاری یا پاراگراف نوشته شده و امیدوارم باعث مستگی شما عزیزان نگردد.